

بررسی و تحلیل موضوع مهدویت و شیوه‌های هنری انتقال آن به کودکان و نوجوانان در آثار یحیی علوی فرد

سیدحمزه موسوی*

زرین تاج واردی**

چکیده

اندیشه‌های دینی و و باورهای مذهبی، مهم‌ترین بخش تئوریک یک نظام عقیدتی و سیاسی است. دغدغه‌ی آموزش صحیح این عقاید و شیوه‌های تأثیرگذار آموزش آن به کودکان و نوجوانان، از آن نیز مهم‌تر بوده است. در همه‌ی جوامع، بخش بزرگی از این رسالت، برعهده‌ی ادبیات آن سرزمین است. در این میان هر کدام از شاعران و نویسندگان، با شیوه‌های خاص خود، سهمی در تربیت اخلاقی این گروه دارند؛ اما طبعاً هر شیوه‌ای مقبول و مطبوع واقع نخواهد شد. این پژوهش با تکیه بر شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی سعی کرده است با جست‌وجو در پنج مجموعه شعر از آثار مهدوی یحیی علوی فرد، موضوع مهدویت و به‌خصوص چگونگی بیان و ارائه‌ی این موضوع را به کودک و نوجوان بررسی کند. علوی فرد در آثارش موضوع مهدویت را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اصول عقاید شیعی، ترویج می‌کند. شیوه‌ی او با سبک خاص زبان هنری‌اش همراه است؛ شیوه‌ی او در سروده‌های مهدوی، این‌گونه است که برای ارتباط عمیق‌تر با مخاطب، از روایت و نقل داستان بهره می‌برد. او در این سروده‌ها، ضمن رعایت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز seyed.h.mousavi110@gmail.com (نویسنده‌ی مسئول)

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شیراز zt.vareidi@gmail.com

ارتباطی پیرنگ‌وار، مقصود خود را در ابتدای شعرش بیان نمی‌کند و مخاطب را پرسشگرانه با جریان شعر همسو می‌سازد و سروده‌هایش را به احادیث معتبر، مستند می‌سازد. وی به‌طور مستقیم از منجی نام نمی‌برد. به گوشه‌ای از ظلم و نابرابری در جهان اشاره می‌کند و ذهن کودک و نوجوان را در قبال این نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌ها، به سؤال وامی‌دارد و با خبر آمدن یک منجی نجات‌بخش، ضمن اینکه ذهن مخاطب را درگیر سؤالی بی‌جواب نمی‌کند، به او امیدواری و مثبت‌اندیشی می‌بخشد. واژه‌گزینی مناسب، عناوین زیبا و اوزان عروضی شایسته، باعث شده است که علوی‌فرد بتواند موضوع مهدویت به‌ویژه بحث ظهور و انتظار را در قالب بیانی هنرمندانه و متمایز به مخاطب کودک و نوجوان منتقل کند.

واژه‌های کلیدی: شعر کودک و نوجوان، شیوه‌های هنری انتقال، مهدویت، یحیی علوی‌فرد.

۱. مقدمه

ادبیات کودک و نوجوان با توجه به آنچه ضرورت فکری نهاد آموزش اخلاقی است «عبارت است از هرگونه متنی که با چارچوب و طرح مشخصی به‌طور عمد یا غیرعمد برای کودکان و نوجوانان آفریده شده باشد؛ به‌صورتی که کودک با آن ارتباط برقرار کند و این رابطه منجر به برانگیختن احساسات، عواطف و پدیدآمدن لذت زیباشناختی شود و تأثیرات خاص روحی‌روانی روی کودک بگذارد و سبب شناخت او شود» (محمدی، ۱۳۷۸: ۱۳).

ادبیات کودکان و نوجوانان مبحثی سهل‌ممتنع است، به این دلیل که گاه به‌دلیل مخاطبان آن جدی گرفته نمی‌شود و گمان می‌برند که می‌شود ساده‌انگارانه به آن پرداخت و ممتنع به این دلیل که عبور از ساده‌انگاری و رسیدن به درجه‌ای از توانمندی برای ارائه‌ی خدماتی شایسته به این گروه، تلاشی بی‌وقفه و مستمر همراه با سخت‌کوشی و ممارست لازم دارد (رک. قزل‌ایاغ، ۱۳۸۹: ۱).

گونه‌ای از این ادبیات، «ادبیات دینی» است. با وجود نوپایی این اصطلاح، درباره‌ی آن تعاریف زیادی بیان شده است. حافظی این مفهوم را این‌گونه تبیین می‌کند: «من ادبیاتی را دینی می‌دانم که در جهت تحکیم تعالیم یک دین خاص باشد» (میرزاییان، ۱۳۸۳: ۱۲۱)

و کرمانی معتقد است که «این نوع ادبی انتقال مفاهیم موجود در جهان‌بینی دینی در قالب ادبیات کودکان و نوجوانان است» (کرمانی، ۱۳۷۸: ۲۹).

«ادبیات دینی مهم‌ترین بخش ادبیات تعلیمی کودک و نوجوان است، زیرا این نوع ادبی، بذر اندیشه‌هایی را در ذهن کودک می‌کارد که تا پایان عمر با اوست و در اعمال و رفتار او با انسان‌های دیگر مؤثر است و از همین‌رو شناخت درست آموزه‌های توحیدی و غیرتوحیدی بسیار ضروری است (حکیمی و کاموس، ۱۳۹۱: ۷۸).

محدثی نیز در این‌باره معتقد است که «وقتی بنا باشد که با استفاده از شیوه‌های هنری در جهت انتقال یک مکتب و ایدئولوژی کار کرد و ایمانی را جوشاند و اندیشه‌ای را جهت داد و به نگاهی بصیرت بخشید، این‌جا قلم و نوشته نقش اول را به‌عهده دارد (محدثی، ۱۳۸۶: ۱۳۳-۱۳۴). البته تفهیم دین و آموزه‌های دینی نباید در قالب پند و اندرز مستقیم بیان شود و شایسته است که هنرمند این مفاهیم را در قالب فرم‌های ادبی به مخاطب کودک و نوجوان منتقل کند (رک. کرمانی، ۱۳۷۸: ۲۹). این فرم ادبی می‌تواند داستان یا قصه باشد و می‌تواند شعر لطیف یا سخنی آهنگین باشد که با تأکید بر وجوه صوتی و موسیقی کلمات و بهره‌گیری از وزن، قافیه و تخیل به ذوق زیباشناسی و شاد او پاسخ دهد.

کوتاه‌سخن اینکه ادبیات دینی کودک و نوجوان دستگاه ارتباطی و فراگیری است که در ارتباط با روح لطیف و سرشت دست‌نخورده‌ی کودکان مفاهیم عظیمی مانند آزادی، صلح، دوستی، مدارا، مسئولیت‌پذیری، خیرخواهی، ظلم‌ستیزی و... را در قالبی زیبا متناسب با غریزه‌ی او به وی آموزش می‌دهد.

ادبیات دینی کودک و نوجوان در ایران مبتنی بر باورهای «اسلامی» است و یکی از شاخص‌ترین مباحث در اسلام و مذهب تشیع «مهدویت» است. «مهدویت» پدیده‌ای است که قرن‌ها با زندگی بشر عجین شده و همواره در تاریخ حضور و جریان داشته است. اعتقاد به مهدویت افزون‌بر مذهب تشیع در سایر ادیان نیز وجود دارد، در آیین مسیحیت و در تورات نیز به ظهور منجی در برهه‌ی پایانی تاریخ حیات انسان اشاره شده است.

در سال‌های اخیر کتاب‌های متعددی پیرامون مبحث مهدویت و زندگی امام زمان به رشته‌ی تحریر درآمده است؛ اما این مبحث در کتاب‌های کودک و نوجوان تا حد زیادی مغفول مانده و کمتر به آن توجه شده است.

یکی از شاعران پرتلاش و البته کمتر شناخته‌شده در حیطه‌ی ادبیات مذهبی کودک و نوجوان که توانسته خود را به دنیای کودکان و نوجوانان نزدیک کند و در زمینه‌های مختلف مذهبی از جمله مهدویت به خلق آثار زیبا بپردازد، یحیی علوی فرد است.

علوی فرد با ارائه‌ی چند کتاب در این زمینه و از همه شناخته‌شده‌تر در اثر نوآوری *این است* توانسته از قالب شعر مناظره‌ای استفاده کند؛ قالبی که کمتر شاعر کودک و نوجوانی پا به این میدان نهاده است. علوی فرد در آثاری که پیرامون مبحث مهدویت سروده، کوشیده است این باور را با توجه به ظرفیت فکری کودکان به‌خوبی بررسی کند و به مضامین مطرح در مبحث مهدویت به‌ویژه انتظار، ظهور و امید فرج بپردازد.

در این پژوهش در پی آن است که شگردهای هنری و نحوه‌ی انتقال مفهوم مهدویت به کودکان و نوجوانان در آثای علوی فرد واکاوی شود. بدین منظور ابتدا تمام سروده‌های شاعر در تمامی دفترهای چاپ‌شده‌ی او بررسی و از آن میان پنج مجموعه‌ی شعر که عبارتند از: *بهار ماندنی*، *نوآوری این است*، *خدا کند همیشه جنگ باشد*، *محمد دوباره می‌آید* و *هدیه برای همه* انتخاب شدند و به شگردهای هنری آن‌ها و نحوه‌ی انتقال مفاهیم مرتبط با مهدویت پرداخته شد. قبل از پرداختن به تحلیل اشعار، اشاره‌ی کوتاهی به زندگی‌نامه‌ی علوی فرد خواهیم داشت.

یحیی علوی فرد، متولد سال ۱۳۵۲ در روستای باغچق از توابع شهرستان بجنورد است. او مقطع کارشناسی خود را در رشته‌ی روان‌شناسی گذرانده و دارای مدرک کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه قم و مدرک معادل دکترای حوزوی (سطح دوم حوزه) است. از علوی فرد آثار متعددی در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان منتشر شده است. علوی فرد هم اکنون مدیرمسئول انتشارات عموعلوی است و به تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی مشغول است. کتاب‌های علوی فرد به زبان‌های

انگلیسی، عربی، تاجیکی، اسپانیولی، پرتغالی و گُردی نیز به چاپ رسیده است. او در سال ۱۳۸۰ برگزیده‌ی پنجمین جشنواره‌ی مطبوعات کودک و نوجوان شد و نوآوری این است اثر این نویسنده، برگزیده‌ی ششمین دوره‌ی کتاب فصل جمهوری اسلامی شد. علوی فرد در کنار سرودن شعر، نقد ادبی را جدی‌ترین فعالیت خود می‌شمارد. او در این زمینه با مجلاتی مثل کتاب ماه کودک و نوجوان و ماهنامه‌ی سلام بچه‌ها همکاری بیشتری دارد. بعضی از این نقدها با اسم مستعار (ی. باغچقی) به چاپ می‌رسد. او هم‌اکنون دبیر بخش شعر ماهنامه‌ی انتظار نوجوان، عضو تحریریه‌ی ماهنامه سلام بچه‌ها و سردبیر ماهنامه‌ی قاصدک است. وی دارای چهل عنوان کتاب است که در زمینه‌های گوناگون ادبیات کودک و نوجوان نوشته شده است. جدا از چند اثر پژوهشی و تحقیقی او، بقیه‌ی آثارش شعر کودک و نوجوان است.

۳. پیشینه‌ی پژوهش

درباره‌ی آثار یحیی علوی فرد و تحلیل و بررسی آثار این شاعر و همچنین وجود اندیشه‌ی مهدویت در آثار او، پژوهشی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌های اندکی با محوریت اندیشه‌ی مهدویت و ادبیات کودک و نوجوان انجام شده است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود. باباجانی (۱۳۸۶) ضمن بررسی آثار مهدویت، آسیب عمده‌ی این موضوع را غفلت نویسندگان از حاضر بودن امام زمان میان مردم و منعکس‌نشدن آن در اشعار و داستان‌ها برشمرده و به نقل از هاشمی به این نکته اشاره کرده است که نویسندگان و شاعران باید صلح و آرامش پس از ظهور و زیبایی‌های آن را برای همگان به‌یژه کودکان و نوجوانان تبیین کنند. سلاجقه (۱۳۸۷) در کتاب خود بخشی را به نقد و بررسی آثار شاعران کودک اختصاص داده است و شعر کودک را از نظر تخیل، صور خیال، زبان و اندیشه بررسی و آسیب‌شناسی کرده است.

علوی مقدم و بهرامیان (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «بررسی واژه‌شناسی زبان شعر انتظار» ضمن پرداختن به اشعار مهدوی و موضوع انتظار در شعر، از چند بعد به جنبه‌ی هنری سروده‌های مهدوی نظر داشته‌اند. آنان نخست بعد موسیقایی، سپس جنبه‌ی معنایی و سرانجام به وجه هنری و بلاغی الفاظ و واژه‌ها را بررسی کرده‌اند.

عظیمی (۱۳۹۰) ضمن یادآوری تأثیر مهم ادبیات در هدایت انسان‌ها، خاطرنشان می‌سازد که ادبیات مهدویت نیز نیاز مبرم بشریت است و هنرمندان شیعه باید در این زمینه قلم‌فرسایی کنند.

حیدری‌ابهری (۱۳۹۱) دو جریان عاشورا و مهدویت را به دو موتور محرک جامعه تشبیه می‌کند و خاطرنشان می‌کند که نویسندگان به مباحث عاشورا برای کودکان و نوجوانان اشاره‌های فراوانی داشته‌اند؛ اما از بیان مبحث مهدویت که ادامه‌ی عاشورا است برای کودکان و نوجوانان غفلت کرده‌اند.

پوروهاب (۱۳۹۲) ادبیات مهدویت کودک و نوجوان را به دو شاخه‌ی مستقیم (آشکارا از هجران گلایه‌کردن) و مدرن (توصیف رابطه‌ی قلبی با امام عصر) تقسیم می‌نماید و از کارایی بیشتر روش مدرن و غیرمستقیم سخن می‌گوید و یکی از دشواری‌های تألیف اثر خلاقه‌ی ادبی در حوزه‌ی امام زمان را محدودبودن شناخت نویسندگان از ایشان می‌داند. فاطمه ایزدی (۱۳۹۶) در پایان‌نامه‌ی *بازتاب مهدویت در متون کودک و نوجوان دهه‌ی ۹۰-۷۰*، به بررسی محور مهدویت در شعر کودک و نوجوان پرداخته و با نظر به سروده‌های شاعران تراز اول این حوزه، ضمن ضروری دانستن این موضوع برای آموزش به کودکان، به جایگاه بلاغی برخی از سروده‌ها اشاره داشته است.

طاهری‌ماه‌زمینی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ی «بررسی مضامین اشعار انتظار در شعر بعد از انقلاب اسلامی» به بررسی سروده‌های شاعران موفق بعد از انقلاب، از منظر نگاه به موضوع انتظار پرداخته‌اند. در پایان این مقاله، توجه به موضوع پایداری و مقاومت در این سروده‌ها از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک در اشعار شاعران آیینی این سال‌ها معرفی شده است.

۳. تحلیل ساختار

۳.۱. انتخاب واژگان

شعرهای مذهبی که در مدح و ستایش ائمه‌ی اطهار(ع) سروده شده است، به اقتضای مخاطب خود غالباً با حضور مؤلفه‌های مرتبطی همراه است. اما در این جا نوع مؤلفه‌ها، متفاوت از انواع ذکرشده در واژگان، زبان و ساختار خاص شعر کودک و نوجوان است. این گونه شعرها باید طوری سروده شود که اگر شعری در ستایش مثلاً حضرت مهدی (عج) است، به ابعاد خاص زندگی آن حضرت پرداخته شود. البته در شعر کودک و نوجوان به ویژه کودک، پرداخت این مضامین باید انعطاف خاصی داشته باشد و ساده‌ترین ابعاد زندگی ائمه به شعر درآید.

از مهم‌ترین مقوله‌های پُرسامد که علوی فرد در اشعار دینی خود به طور ویژه به آن پرداخته، موضوع مهدویت و انتظار فرج است. موضوعی که به دلیل پیشینه‌ای نه‌چندان دراز در شعر کودک و نوجوان راهی را دنبال می‌کند که بسیار حساس و در همه‌ی ادیان، بسیار کلیدی است. راهی که هنوز جایگاه خود را نیافته و شاعران کودک و نوجوان از آن استقبال فراگیری نکردند.

بی تو قناری‌ها نمی‌خوانند / در شهر دیگر یا کریمی نیست / پروانه‌ها دیگر نمی‌رقصند /
دنیای ما شاد و صمیمی نیست / اینجا هوا تاریک و طوفانی / اینجا زمین خاکستری‌رنگ
است / پای محبت خسته و زخمی / دست بشر آلوده‌ی جنگ است / باغ زمان همواره
پاییزی ست / چشم زمین همواره غم دارد / مانده به راهت چشم خیس ما / دنیا تو را ای
خوب کم دارد (علوی فرد، ۱۳۸۷ الف: ۳۲).

پیکره‌ی ساختاری و انتخاب واژه‌های این شعر غنی است؛ در بیت اول شاعر با یا کریم، شعر خود را وارد پیچیدگی زیبایی می‌کند تا همراه نوجوان با عناصر طبیعت (یا کریم) از هجران سخن بگوید و هم نشان دهد دیگر انسان اهل معنایی نیست تا این درد انتظار را به سوی خدای کریم خود فریاد بزند؛ انتخاب قناری به دلیل تداعی پرنده‌ی همیشه‌اسیر و در انتظار رهایی در کنار یا کریم نیز انتخاب آگاهانه‌ای است.

شاعر، فضای این چهارپاره را طبق روایات متعددی مانند این سخن پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله ترسیم می‌کند که فرمودند: «و ذلک عندما تصیر الدنيا هرجا و مرجا، و یغار بعضهم علی بعض، فلا الکبیر یرحم الصغیر، و لا القوی یرحم الضعیف، فحینئذ یاذن الله له بالخروج: و آن (قیام قائم علیه‌السلام) در هنگامی است که دنیا دچار آشفتگی می‌گردد و مردمان به یکدیگر می‌تازند، نه بزرگ‌سال به خردسال رحم می‌کند، و نه قدرتمند به ناتوان، در این هنگام خداوند به او (امام غایب) اجازه‌ی خروج می‌دهد» (بحارالانوار، ۱۳۶۰، ج ۵۲: ۳۸۰). زمینی که هنگام ظهور، در آن پر از ظلم و ستم می‌شود و خوشی رخت برمی‌بندد؛ پروانه‌ها نمی‌رقصند، دنیا شاد و صمیمی نیست و جایی تاریک، طوفانی، خاکستری، خسته، زخمی و آلوده‌ی جنگ است.

شاعر هیچ‌گاه در این چهارپاره مستقیم وارد الفاظ تکراری حتی نام‌های معمول منجی خود نشده است و موعود خود را «خوب» خطاب می‌کند تا از کلیشه و تکرار دوری کند و از همه مهم‌تر مخاطب خود را فراگیر و همگانی نشان دهد و این اسلوب خاص شاعر در معرفی موضوع و درنهایت روشن کردن تکلیف «ظهور» است.

همیشه دیده‌ام که باغ‌ها/ برای دیدن بهار/ چه بی‌قرار، انتظار می‌کشند/ که با رسیدنش/ پر از جوانه‌ها شوند/ و از غم سکوت و خستگی رها شوند/ .../ و من/ در انتظار یک بهار ماندنی‌ترم/ که هست با جوانه‌های منتظر همیشه دوست/ کلید باغ‌های گل به دست اوست (علوی‌فرد، ۱۳۸۷ الف: ۳۴).

رسالت مخاطبان را به دست فراموشی نسپردن و آنان را در تکمیل معنوی شعر سهیم دانستن، نکته‌ی درخور توجه این شعر است، او هم خود و هم بسیاری از نوجوانان و جوانان را در بُعد انتظار شریک می‌کند و مخاطب را با خود همراه می‌سازد.

شاعر در کاربرد واژگان به‌ندرت از واژگان محاوره‌ای استفاده می‌کند که ایجاد صمیمیت کند «توی شعرم از تو می‌گویم» و زیباترین شگرد هنری در کارکرد واژگان عناوین مجموعه‌های شعری است برای مثال در عنوان «محمد دوباره می‌آید» از طریق

ایهام به هم‌نامی امام عصر و پیامبر اکرم اشاره دارد و در عنوان «بهار ماندنی» بهار استعاره‌ی زیبایی است که طراوت و خرمی ظهور را به ذهن متبادر می‌کند. علوی‌فرد در هر پنج مجموعه‌ی منتخب که اساس کار پژوهش است در به‌گزینی واژگان و اجتناب از کلمات نامأنوس و دشوار، هنرمندانه و ماهرانه عمل کرده است که نمونه‌های گفته‌شده تا حدودی شاهد این مدعاست.

۲.۳. شیوه‌ی انتقال پیام

پرهیز از القای مستقیم پیام شعر و نگاه نو علوی‌فرد به چارچوب شعر مهدویت، دقیق و تازه است.

برکه خسته است / دور مانده از صدای موج موج آب / او در انتظار معجزه نشسته است / رود می‌رود به پیشواز روشنی / به سوی موج‌های دور دست / انتظار او به رفتن و رسیدن است / برکه در مسیر ماندنش / روز و شب / به راه خویش می‌رود / رود، رود منتظر / همچنان به پیش می‌رود / من و تو نیز... (همان: ۳۶).

در نگاه اول شاید متوجه شاهکار علوی‌فرد در شناخت او از مقوله‌ی انتظار نشویم؛ اما با مکرر خواندن شعر به فهمی از مقوله‌ی انتظار می‌رسیم که از اندیشه‌ی بزرگ شاعر نشأت می‌گیرد؛ اصولی که جزء تفکرات ذهنی و مبانی دینی و آگاهی اوست.

دریچه‌ی نگاه علوی‌فرد به مسئله‌ی انتظار، کم‌نظیر است. شاید کودک یا نوجوان از انتظار و منتظر بودن آنچه که خود با آن برخورد کرده است، تلقی کند؛ ایستادن و ایستادن، مثل برکه، و ایرادی بر آنچه در باور عموم است، نیست. حال آن‌که علوی‌فرد با جهتی کاملاً متفاوت «رود» را منتظر واقعی می‌بیند که برای منتظر خود حرکت می‌کند و ساختار معنایی کلمه‌ای انتظار را در هم می‌شکند؛ انتظار او به رفتن و رسیدن است / این محتوای بکر، بزرگ‌ترین دست‌مایه‌ی فخرآمیز این شعر است.

شاعر باز مخاطب خود را در این ماجرا دخالت می‌دهد و با زیرکی انتخاب را برعهده‌ی کودک و نوجوان می‌گذارد و به‌طور مستقیم نظر نمی‌دهد تا او خود تصمیم بگیرد؛ اگر چه

او مسیرش را هوشیارانه برای مخاطب انتخاب کرده است و چرخ مثبت آب شعر، روی محور رود می‌چرخد.

حس عجیبی در دلم دارم / هر سال با آغاز فروردین / مانند حس سبزه‌ها سرسبز / مانند
حس باغ‌ها رنگین / هر سال مثل باغ و کوه و دشت / در انتظارت می‌نشینم من / شاید بیایی
با بهار از راه / شاید بهارم را ببینم من / وقتی بهار از راه می‌آید / صحرا و جنگل می‌شود
خوشحال / اما بهار من بگو تا کی / این پا و آن پا می‌کنی هر سال (همان: ۳۸).

هر شاعری احساساتی دارد که شخصاً خود در دوران کودکی تجربه کرده و سعی در
بیان آن برای همان دوره دارد. جعفر ابراهیمی اعتقاد دارد «در دوران کودکی و نوجوانی،
حس‌هایی وجود دارند که به زبان در نمی‌آیند. شاعر کودک و نوجوان، همواره می‌کوشد
و آرزو دارد آن حس‌ها را در حد توان خود به زبان بیاورد» (ابراهیمی، ۱۳۸۱: ۳۳). آنچه
شاید در بروز این اشعار به چشم می‌خورد، شاعری را می‌بینیم که به طرزی عمیق، غرق
احساسی است که زمان‌های خاصی برای او تداعی می‌شود. درون‌مایه‌ی این شعر نیز،
انتظار فرج و ظهور بهار (منجی) است که غلیان احساس شاعر در آن موج می‌زند.

توی دنیایی که دور از توست / شاعری تنها و بی‌تابم / گاه توی جاده‌ی شعرم / رد پای
از تو می‌یابم / تا دلم حس تو را دارد / توی شعرم از تو می‌گویم / گل‌به‌گل، گلوآژه‌ها را
باز / در هوایت خوب می‌بویم / شعرها تا از تو می‌خوانند / لذتی غیر از شنیدن نیست /
چشم ما کی می‌شود روشن / چون شنیدن مثل دیدن نیست / مجلس ختم غزل‌هایم / مطمئناً
در حضور توست / آخرین شعری که می‌گویم / اولین روز ظهور توست (علوی‌فرد،
۱۳۸۷ الف: ۴۰).

اگرچه این شعر از لحاظ محتوا محکم و دارای درون‌مایه‌ی مناسب است؛ اما به راحتی
می‌توان دریافت این موضوع نور را که علوی‌فرد ساخته، محتوایی همه‌گیر و همه‌فهم، برای
نوجوان نادر و بیشتر بزرگسالانه است، زیرا محتوا، به دنیای مخاطب بزرگسال اشاره
دارد؛ دنیایی که برای خیلی از نوجوانان قابل تشخیص و دریافت نیست؛ اما برخوردار
از موسیقی وزن عروضی متناسب با فضا و جوهر شعر، تکیه بر موسیقی اصوات و الفاظ

و دقت در انتخاب واژگانی که هم از نظر موسیقایی و هم از نظر کارکرد عاطفی در خدمت فضای شعر هستند، عینیت‌بخشیدن به بخش ماورایی فرم شعر و نوعی تشخیص‌بخشی به یک اثر متناسب کودک و نوجوان است و درنهایت توانسته پیام انتظار برای ظهور را به‌زیبایی به او منتقل کند.

۳.۳. موسیقی اشعار

در مجموعه‌ی اشعار علوی فرد شاهد قالب‌های متنوعی از قبیل غزل (خورشید زیبا می‌آید، از کوه بالا می‌آید، چهارپاره، مسمط‌گونه سه‌خشتی (تو چون بهاری، بهار گلها...))، رباعی (دل در طلب شما هوایی...)) هستیم که در این قالب‌های از اوزان شاد و آهنگین متناسب با ذوق کودک و نوجوان استفاده کرده است.

در شهر آرزو/ در کوچی امید/ خوشحالی و سرور/ در باد می‌وزید/ یک روز دیدنی/ یک صبح دلپذیر/ صبحانه‌ای لذیذ/ با چایی و پنیر/ اخبار رادیو/ می‌گفت با سرور/ از لحظه‌ای قشنگ/ از ساعت ظهور/ یک دفعه شد زمین/ هم‌رنگ آسمان/ باغ ستاره شد/ سرتاسر جهان (همان: ۴۲).

علوی فرد ضمن توجه به موسیقی آهنگین و ریتمیک که مناسب سرودن شعرهای شاد و متناسب با فضای جشن و سرور و ظهور است، با بهره‌گیری از تصویرسازی قصه‌گونه، به بهبود تأثیرگذاری مطلبش افزوده است و انتخاب موضوع به‌روز و جدید، این شعر را شاخص کرده است. موضوعی که نوید ظهوری نزدیک در یک صبح، با خبر رادیو اتفاق می‌افتد. آنچه به نظر می‌رسد این است که شاعر با نظر به جایگاه فکری مخاطب خود، وزن را انتخاب کرده و لحن شعر را با توجه به کوتاهی مصرع‌ها و برخوردارگی از صمیمیت صوتی میان اصوات و الفاظ، در خدمت یگانگی با خاطر مخاطب قرار داده است.

خبری می‌رسد به گوش زمان/ که محمد دوباره می‌آید/ کعبه‌ی زندگی چراغان است/ آیه‌های جدید می‌بارد/ این محمد که می‌رسد از راه/ با خودش دین تازه‌ای دارد/ بر لبش جاری است حرف جدید/ آخرین گفته‌ی خدا قرآن/ آخرین حرف آسمان به زمین/ آخرین

فرصت خدا به زمان / همه‌جا می‌شود پر از گل‌ها / گل نرگس گل همیشه‌بهار / عطر یاس و محمدی دارد / پس از این با خودش همیشه بهار / خودش از نو مدینه می‌سازد / این مدینه همه مسلمانند / کوچه‌ها کوچه‌ی بنی‌هاشم / اهل بیتش هزار سلمانند / همه‌جا مثل جمکران زیباست (علوی فرد، ۱۳۹۰: ۶).

در کل می‌توان گفت که در اشعار منتخب حدود نیمی از اشعار به بحر رمل (تکرار فاعلاتن و مشتقات آن) و نیمی دیگر مربوط به بحر رجز (مستفعلن و مشتقات آن) هستند. افزون‌بر موسیقی بیرونی کارکرد قافیه و ردیف‌های زیبا نیز موسیقی شعر او را جذاب‌تر کرده است:

ای پرده‌نشین پرده ز رخ یک سوزن یک‌سو همه مرد منتظر، یک‌سو زن
در این پژوهش بنابه پرداختن به موسیقی معنوی و آرایه‌ها نیست، اما در میان آرایه‌ها تخیل و ایهام و استعاره باعث شده‌اند که موسیقی معنوی خاصی در شعر ایجاد شود که کاملاً شعر مهدویت علوی فرد را از اشعار کلیشه‌ای معاصرانش ممتاز کرده است.

۳.۴. استفاده از آیه و حدیث

علوی فرد در همه‌ی مصادیق شعری‌اش درباره‌ی حضرت مهدی بسیار محتاطانه و از روی آگاهی سخن می‌گوید. او در شعر طولانی «محمد دوباره می‌آید» در نام‌گذاری و گوشه گوشه‌های شعر خود، مثلاً در پاره‌ی نخست، به حدیثی که از پیامبر از زبان جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است و شیخ صدوق در کتاب خود آورده است که «مهدی از فرزندان من است. اسم او، اسم من و کنیه‌ی او، کنیه‌ی من است. او از نظر خلق و خو، شبیه‌ترین مردم به من است» (صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱: ۵۳۴).

همچنین روایات متعدد دیگری شبیه این نیز که از امامان معصوم متواتر نقل شده و در کتاب بحارالانوار علامه مجلسی و الکافی کلینی و دیگران آورده شده‌اند، اشاره دارد و در ادامه براساس اعتقادات شیعی، مکان ظهور را با «کعبه‌ی زندگی» به شکل غیرمستقیم جلو چشم نوجوان روشن می‌کند و خاستگاه ظهور او را طبق روایات نشان می‌دهد،

همچنین او می‌کوشد اقدامات حضرت را در زمان ظهور و به‌نحوی سختی‌های کار حضرت مهدی را با حضرت محمد(ص) طبق این روایت مقایسه کند: «بصنع کما صنع رسول الله (ص) یهدم ما کان قبله کما هدم رسول الله(ص) امر الجاهلیه و یستأنف الاسلام جدیداً بعد ان یهدم ما کان قبله: او چون پیامبر عمل می‌کند، چنان‌که پیامبر آنچه قبل بوده را از بین برده، جاهلیت را نابود ساخته و اسلام را بنا نهاده، او نیز گذشته را نابود و پس از ریشه‌کن ساختن بدعت‌ها، اسلام را از نو پیاده می‌کند» (الغیبه نعمانی، ۱۳۵۵: ۲۳۴) و به‌نحوی با نشان‌دادن این روایت، مفهوم اصلی شعر خود را که محمد دوباره می‌آید، برای مخاطب نوجوانش تبیین کند. اشراف نویسنده بر منابع دینی باعث کاربرد به‌جا و مناسب آیات و روایات در شعر او شده است، استفاده‌ای که به سلاست و روانی شعر خدشه‌ای وارد نکرده است.

۴. تحلیل محتوا

۴.۱. ظهور

در تحلیل موضوعی این پنج مجموعه به مضامینی همچون شباهت قیام امام مهدی(عج) و حضرت محمد(ص)، انتظار، ظهور، امید فرج و... برمی‌خوریم، اما بسامد ظهور و انتظار در این اشعار بیشتر است.

علوی فرد عامدانه نوید ظهوری را می‌دهد که در آن عطر چهار گل می‌پیچد، گل نرگس که مختص خود حضرت مهدی است به مناسبت مادر بزرگوارشان نرگس خاتون؛ گل یاس که به ام‌ابیه، حضرت فاطمه(س) برمی‌گردد؛ گل محمدی که ارتباط شیرینی هم با پیامبر و هم با خود حضرت دارد و در پایان، استفاده از گل همیشه‌بهار که شاعر با زیرکی توانسته با این واژه، به شکلی بسیار به‌جا و دلنشین بهره برده و این پاره را از لحاظ فنی به سطحی بسیار بالاتر سوق دهد. هم‌چنان‌که براساس باورهای بسیاری از علمای تشیع جایگاه حضرت در هنگام غیبت در اطراف مدینه است و اشاره‌ی علوی فرد به این موضوع و اما مهم‌تر، نگاه اصلی شاعر به سمت ترسیم مدینه‌ی فاضله‌ی حضرت است.

تو چون بهاری / بهار گل‌ها / بهار سبزه / بهار بستان / بهار چشمه / بهار برکه / بهار دریا / بهار باران / بهار الواح / بهار تورات / بهار انجیل / بهار قرآن / بهار گنجشک / بهار ماهی / بهار آهو / بهار انسان / (علوی فرد، ۱۳۹۰: ۱۰).

علوی فرد ظهور را مختص انسان‌ها نمی‌بیند و از پنجره‌ی احادیث و روایات همه‌ی هستی را در زمان ظهور غرق در شادی و رستاخیز نشان می‌دهد، همه‌ی انسان‌ها از این بهار بهره می‌برند. او اندیشه‌ی ظهور نجات‌دهنده و منجی را با شگردی هوشمندانه با بهار پیوند می‌زند که از مهم‌ترین اشتراکات این دو واقعه، سرسبزی و طراوت و نشاط برای همگان است؛ هیچ موجودی از ظهور بهار بی‌بهره نیست و هیچ موجودی نیست که منتظر بهار نباشد. آنچه را که در تعالیم همه‌ی ادیان برای منجی متصور هستیم و پیروان تورات و انجیل و... در این اصل، مشترک‌اند و همه در انتظار ظهوراند.

دوباره عصر جمعه است / زمین گرفته ماتم / زمان دلش گرفته / هوای غربت و غم / خزان عصر جمعه / برای تو بهار است / شبیه صبح شنبه / شروع کاروبار است / ولی تو شادمانی / گل از گلت شکفته / برای عصر جمعه / دلت ترانه گفته / دوباره شادمانی / که مهلتی گرفتی / تو واقعاً عجیبی / تو واقعاً شگفتی / ولی بدان که یک روز / تو می‌رسی به پایان / و صبح جمعه‌ای شاد / غروب توست شیطان (همان: ۲۰).

مهم‌ترین مبحث این شعر، دال بر ظهور حضرت مهدی در روز جمعه است. درباره‌ی قیام و ظهور امام زمان (عج) روایات مختلفی وارد شده که در آن‌ها نوروز، عاشورا، شنبه یا جمعه، روز ظهور معرفی شده است. قطع به یقین و باصراحت نمی‌توان جمعه را زمان ظهور حضرت، بنابر آنچه در ذهن عموم جا گرفته، تلقی کرد. امام محمد باقر(ع) می‌فرماید: «گویا حضرت قائم (عج) را می‌بینم که روز عاشورا، روز شنبه، بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند: «بیعت برای خداست». پس زمین را پر از عدل می‌کند، همان‌گونه که پر از ظلم و جور شده بود» (غیبه طوسی، ۱۳۶۹: ۲۷۴ و کشف‌الغمه، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲۵۲ و بحارالانوار، ۱۳۶۰، ج ۵۲: ۲۹۰).

در روایتی دیگر از امام جعفر صادق (ع) نقل است که «قائم (عج) (درود خدا بر او باد) در شب بیست‌وسوم ماه رمضان، به نام (شریفش) ندا می‌شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی (ع) در آن کشته شد، قیام خواهد کرد» (غیبیه طوسی، ۱۳۶۹: ۲۷۴ و بحار الانوار، ۱۳۶۰، ج ۵۲: ۲۹۰).

خلاصه آن که وقوع ظهور در روز جمعه به‌رغم مشهوربودن بین مردم قطعی نیست؛ اگرچه طبق بعضی از روایات ظهور، روز جمعه خواهد بود؛ ولی روایات متعدد معتبر دلالت می‌کند که قیام حضرت در روز شنبه که مصادف با روز عاشورا است، واقع خواهد شد (منتخب‌الاثرفی الامام‌الثانی عشر، ۱۳۴۰: ۵۷۴-۵۷۶) و ما در استناد زمان ظهور به این مقدار بسنده می‌کنیم؛ در باور ما به‌رحال ظهور در یک روز بسیار شریف مثل جمعه یا شنبه و روز عاشورا خواهد بود و از نظر اسلامی، جمعه عید است و شرافت بسیاری دارد. از این جهت مناسبت دارد که ظهور مهدی (عج) که از اشرف حوادث عالم است در چنین روز شریفی واقع شود.

۲.۴. انتظار

مضمون پُرسامد دیگر در این اشعار، چگونگی «انتظار» و زمان آن است. در تحلیل این موضوع متوجه می‌شویم اگرچه علوی فرد به سمت واژه‌های جمعه و غربت و غم و... همان مجموعه‌ی کلیشه‌ای می‌رود؛ اما می‌کوشد با موضوع تازه‌ای به این مبانی تکراری سمت‌وسو بدهد؛ سمت‌وسویی که تقابل دو اندیشه و دو انتظار معکوس است. از یک طرف انسان منتظری که برای زمان دیدار لحظه‌شماری می‌کند و از طرفی دیگر، شیطنی که منتظر مهلتی دیگر به زمان وعده داده‌شده (جمعه) اما نامشخص است و با اندیشه‌ای دیگر، به آن چشم دوخته است. نگاهی که در آن انسانی امیدوار برای پایان سلطه‌ی شیطان و آغاز حکومت مهدوی لحظه‌شماری می‌کند. او تلاش می‌کند، به مخاطبش یادآوری کند که در کنار منتظران، غیرمنتظرانی نیز هستند که برای نیامدن آن حضرت، خوشحال‌اند.

علوی فرد آن‌ها را در جامه‌ی نمادین، شیطان معرفی می‌کند و به آن‌ها گوشزد می‌کند که تا ظهور نور و غروب تاریکی راهی نماده است.

دل در طلب شما هوایی ست / این غربت ما از آشنایی ست / ما صبح و غروب جمعه‌هاییم / عمری ست میان ما جدایی است (علوی فرد، ۱۳۹۰: ۲۴).

ما ساکن عصر جمعه‌هاییم / تو منتظری که ما بیاییم / غربت چه حکایت عجیبی است / آقا تو کجا و ما کجاییم (همان: ۲۶).

در دوبیتی دوم، محتوا و مضمون نو همراه با بیان پخته و درهم‌ریختگی مفهوم انتظار و درنهایت، یافتن حد وسط شگفت‌انگیز، هر مخاطبی را به خود جلب می‌کند، نگارنده این دوبیتی را از بهترین دوبیتی‌های با رویکرد انتظار تلقی می‌کند.

خورشید زیبا می‌آید / از کوه بالا می‌آید / در چشم من صبح جمعه / هر چیز زیبا می‌آید / هر جمعه تا قله‌ی ظهر / خورشید با ما می‌آید / این قله اوج قرار است / جایی که آقا می‌آید / حس می‌کنم پا به پامان / صحرا و دریا می‌آید / بالاتر از دشت و دریا / انگار دنیا می‌آید / تا ظهر چشمم به راه است / امروز آیا می‌آید؟ (همان: ۳۰).

تصاویری که علوی فرد در این شعر می‌سازد بسیار با شکوه است. اوج این هنرنمایی در بیت پنج و شش است؛ دوبیتی که با رباعی زیبای شاعر معاصر جلیل صفربیگی اشتراک‌هایی در تصویرپردازی دارد: «هم رود خراب و مست راه افتاده / هم کوه عصا به دست راه افتاده / یک لحظه گذشته از کنار دنیا / دنبال تو هر چه هست راه افتاده» (صفربیگی، ۱۳۸۷: ۲۵). تصویر همراهی تمام هستی با مقوله‌ی انتظار در بیان علوی فرد برای مخاطب نوجوانش نکته‌ی محوری و پیام اصلی این شعر علوی فرد است. در کنار این اندیشه، مهم‌ترین نکته، جریان قوی عاطفه در شاه‌رگ این غزل است؛ غزلی که در تصویر و معنی شناور است.

یک روز پدر به جبهه‌ها رفت / دیگر اثری از او نیامد / صد بار از او خبر گرفتیم / اما خبری از او نیامد / جز نامه‌ی آخرش که با ماست / از باغ دلش گلی نچیدیم / بگذار خود پدر بگوید / حالا که به نامه‌اش رسیدیم / در نامه نوشته: «چون همیشه / اینجا همه‌چی به

خیر و خوبی ست / احوال مرا اگر بخواهید / یک ذره ملال بین ما نیست / ما منتظر شروع حمله / ما منتظر طلوع نوریم / نزدیک بهشت کربلایم / از روی شما اگر چه دوریم / یحیای مرا بگو که جمعه / نزدیک‌ترین نشانه‌ی توست / این نامه‌ی آخر من اما / برنامه‌ی زندگانی توست / حالا که پدر کنار ما نیست / برنامه‌ی زندگانی اینجاست / ما منتظر طلوع نوریم / نوری که همیشه در دل ماست (علوی فرد، ۱۳۸۹: ۵).

این شعر داستانی روایتی است که گوشه‌ای از آن، ذهن را به ضرورت ظهور در تنگنای جنگ و ظلم جهل، پیوند می‌زند؛ آنجا که پدر در جبهه در حال جنگیدن است؛ اما منتظر طلوع نور است و این نوع اندیشه‌ی علوی فرد به معنای انتظار است. او همچنین توانسته دو فضای آرمانی شهادت و انتظار را به هم پیوند بزند و در کنار این مطلب، داستان‌وار کودک و نوجوان را با این مفاهیم ارزشی به‌طور غیرمستقیم آشنا کند که مسئله‌ی انتظار محور اصلی و پیام اصلی شعر است.

علوی فرد، خود نوجوان است («یحیای» مرا بگو...). و همراه با نوجوان مسئولیت انتظار را به دوش می‌کشد. تعمّد علوی فرد در نام‌گذاری نوجوانش به نام «یحیی» هم بحث‌پذیر است، جدا از اسم کوچک خود علوی فرد یا نوجوان قصه، ناخودآگاه ذهن به سمت معنای لغوی آن، یعنی «زنده» و ارتباط آن با حضرت مهدی (عج) در کنار واژه‌ی جمعه، سوق داده می‌شود و این موضوع را با ملموس کردن زنده‌بودن آن حضرت گره می‌زند. تمایز عمده‌ی اشعار علوی فرد با سایر اشعار مهدوی، بیان سلیس مضامین متناسب با درک مخاطب کودک و نوجوان است و نکته‌ی دیگر اینکه سعی کرده است با بیان این مضامین و عاطفی کردن آن‌ها ایمان مذهبی کودک و نوجوان را افزایش دهد نه سواد مذهبی آن‌ها را.

۵. نتیجه‌گیری

یحیی علوی فرد از شاعرانی است که در سال‌های اخیر در حوزه‌ی شعر کودک و نوجوان آثاری ارائه کرده است. سروده‌های او که بیش‌تر برای همین گروه سنی سروده شده،

ضمن برخورداری از مضامین بدیع، پایبند به اصول اخلاقی و اغلب آیینی و مطابق آرمان‌های اخلاقی اسلام است. از میان سروده‌های آیینی او موضوع مهدویت به‌ویژه انتظار و ظهور اهمیت و بسامد بیشتری دارد. او در سرودن این اشعار، شگرد هنری ویژه‌ی مخصوص به خود دارد. در تمام سروده‌های مربوط به موضوع مهدویت، شیوه‌ی او داستانی و روایتگرانه است. او در این کار، به‌دلیل اینکه هم از ظرفیت‌های هنری شعرش مایه بگذارد و هم ذهن مخاطب را در جست‌وجوی روایتی پیرنگ‌وار در خلال سروده‌اش به‌دنبال بکشد، اغلب به مقصود خود در ابتدای روایتش اشاره نمی‌کند.

مهم‌ترین شگردهای هنری علوی‌فرد واژه‌گزینی مناسب، تخیل، عناصر موسیقایی و استفاده از قالب‌های جدید و پیوند مضامین مذهبی با مسایل اجتماعی معاصر است.

علوی‌فرد در بیشتر سروده‌های مهدوی خود هرجا به موضوع ظهور و آمدن منجی می‌پردازد، به روایتی مستند و مستخرج از کتب معتبر روایات شیعی نظر دارد. ممکن است در ظاهر این رویکرد غیرشاعرانه به نظر برسد، اما در شعر او این سنداوری در سایه‌ی بُعد هنری شعر، قرار می‌گیرد؛ به‌طوری‌که حتی بدون آگاهی پیشین از متن حدیث، یافتن آن در متن شعر دشوار است.

وجه امتیاز شیوه‌ی او در بیان مضامین مهدوی این است که نخست به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به یکی از چالش‌های معمول که از روی بی‌عدالتی گریبان جهان را گرفته اشاره می‌شود و درنهایت با اشاره به منجی و با دادن مژده ظهور او، خاطر مخاطب را برای حل موضوع ظلم و پایان بی‌عدالتی، جمع می‌کند. این شیوه‌ی معماگونه که با نوعی پرسشگری و کنجکاوی در کودک و نوجوان همراه است، ضمن ایجاد التذاذ برای مخاطب در خلال شعر، از آن نظر که به دست خود شاعر و با نوید مژده‌ای، گره‌گشایی می‌شود، ذهن پرسش‌گر کودک و نوجوان را درگیر سؤالی بی‌پاسخ نمی‌سازد؛ به بیان دیگر در او امیدواری و خوش‌بینی به آینده ایجاد می‌کند.

در کل می‌توان شگردهای هنری انتقال مفهوم مهدویت در آثار علوی‌فرد را در این جدول نشان داد.

متون منتخب	مضامین اشعار	شگردهای هنری انتقال موضوع
بهار ماندنی	انتظار	واژه‌گزینی مناسب عنوان زیبا پیوند با طبیعت پرهیز از القای مستقیم پیام وزن
خدا کند همیشه جنگ باشد	انتظار	عنوان زیبا پیوند مبحث مهدویت با مسائل جاری درونی و عاطفی کردن موضوع ظهور شیوه‌ی روایت‌گری و داستانی
روزی پرستویی	انتظار	واژه‌گزینی مناسب وزن عروضی مناسب پیوند با طبیعت شیوه‌ی روایت‌گری و داستانی
محمد دوباره می‌آید	انتظار و ظهور	واژه‌گزینی مناسب استفاده از قالب‌های مختلف (غزل، چهارپاره، سه‌خشتی، رباعی) وزن آهنگین عنوان زیبا پیوند قیام حضرت مهدی (عج) با قیام پیامبراکرم (ص)
هدیه برای همه	ظهور	واژه‌گزینی مناسب وزن عروضی مناسب بیان عاطفی بیان بسیارسلیس و کودکانه شیوه‌ی روایت‌گری

در کل می‌توان گفت که در پنج اثر منتخب که جامعه‌ی پژوهش قرار گرفتند:
 الف. در میان مضامین موضوع مهدویت، مضمون انتظار بیشترین بسامد را داشت.
 ب. در میان شگردهای هنری، واژه‌گزینی مناسب بیشترین بسامد را داشت.
 ج. در بحث موسیقی وزن عروضی، رمل و مشتقات آن بیشترین کاربرد را داشت.
 و در نهایت اینکه در میان پنج مجموعه شعر منتخب مجموعه‌ی محمد دوباره می‌آید
 خلاقانه‌تر، پرمحتواتر و زیباتر از چهار مجموعه‌ی دیگر ارزیابی شد.

منابع

- ابراهیمی، جعفر (شاهد). (۱۳۸۱). وقتی سایه‌ها سنگ می‌شوند. تهران: سوره‌ی مهر.
- ایزدی، فاطمه. (۱۳۹۴). بازتاب مهدویت در متون ادبی کودک و نوجوان دهه‌های ۷۰-۹۰. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- باباجانی، علی. (۱۳۸۶). آشنایی با پایگاه‌ها و مراکز مهدویت. قم: فرهنگ کوثر.
- بهاء‌الدین علی‌بن عیسی، اربلی. (۱۳۷۹). کشف الغمه. ج ۳، قم: رضی.
- پوروهاب، محمود. (۱۳۹۲). نسیم و قاصدک. قم: بوستان کتاب.
- حافظی، علیرضا. (۱۳۶۸). گفت‌و شنود در بررسی و شناخت ادبیات کودک و ادبیات نوجوان. تهران: شمع.
- حکیمی، محمود؛ کاموس، مهدی. (۱۳۹۱). مبانی ادبیات کودک و نوجوان. تهران: آرون.
- حیدری ابهری، غلامرضا. (۱۳۹۱). <https://iqna.ir/009sjv>.
- سلاجقه، پروین. (۱۳۸۷). از این باغ شرقی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۳۴۰). منتخب‌الاثرفی الامام الثانی عشر. قم: مؤسسه‌ی السیده‌المعصومه.
- صدوق، محمدبن علی. (۱۳۶۳). کمال‌الدین و تمام‌النعمة. مصحح علی‌اکبر غفاری، ج ۱، قم: مؤسسه‌ی النشر الاسلامی.

طاهری ماه‌زمینی، نجمه. (۱۳۹۶). «بررسی مضامین اشعار انتظار در شعر بعد از انقلاب اسلامی». *ادبیات پایداری*، شماره ۱۷، صص ۱۷۹-۲۰۰.

قزل‌ایاغ، ثریا. (۱۳۸۹). *ادبیات کودکان و نوجوانان و ترویج خواندن*. تهران: سمت.
عظیمی، کاظم. (۱۳۹۰). *درآمدی بر ادبیات مهدویت و اجزای آن*. قم: مجله‌ی دین و ارتباطات

علوی فرد، یحیی. (۱۳۸۷ الف). *بهار ماندنی، مجموعه‌شعر آیینی برای کودکان و نوجوانان*. تصویرگر سیدحسن موسوی قم: بوستان کتاب.

_____ (۱۳۸۹). *خدا کند همیشه جنگ باشد، مجموعه‌شعر نوجوان با موضوع دفاع مقدس*. مشهد: بنیاد حفظ آثار دفاع مقدس خراسان شمالی.

_____ (۱۳۹۰). *محمد دوباره می‌آید: مجموعه‌شعر نوجوان مهدوی*. تصویرگر سمیه بیگدلی، قم: زائر.

_____ (۱۳۹۱). *هدیه برای همه، شعر کودک*. تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.

علوی مقدم، مهیار؛ بهرامیان، زهرا. (۱۳۸۹). «بررسی واژه‌شناختی زبان شعر «انتظار»». *ادبیات پایداری*، سال ۱، شماره ۲، صص ۲۱۹-۲۳۸.

کرمانی، علیرضا. (۱۳۷۸). «مفهوم ادبیات دینی برای کودکان». *پژوهش‌نامه‌ی ادبیات کودک و نوجوان*، سال ۵، شماره ۲، پیاپی ۱۷، صص ۲۰-۲۹.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۰). *بحار الانوار*. ج ۵۲، مصحح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابچی.

محدثی، جواد. (۱۳۸۶). *هنر دینی*. تهران: مؤسسه‌ی بوستان کتاب.

محمدبن ابراهیم بن جعفر الکاتب. (۱۳۵۵). *الغیبه نعمانی*. تصحیح علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبه‌ی صدوق.

محمدبن حسن بن علی بن حسن. (۱۳۶۹). *غیبه طوسی*. تصحیح عبداللّه سرشار طهرانی و علی احمد ناصح. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.

محمدی، محمد. (۱۳۷۸). روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان. تهران: سروش.
میرزاییان، مصطفی. (۱۳۸۳). «شعر کودک: نقدی بر تعاریف «ادبیات دینی کودک»: ناتوان
در شناخت مفهوم و دریافت مصداق‌ها». گوه‌ران، سال ۲، شماره‌ی ۱، پیاپی ۳، صص
۱۱۸-۱۲۵.